

زنگنه‌نگار

طرح درس‌های فصلی
کتاب از سوره تنصیح ننگار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زنگ نماز

نویسنده:

احمد زرهانی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	زنگ نماز
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	فهرست
۱۱	سرآغاز
۱۲	داروخانه شبانه روزی
۱۲	اشاره
۱۲	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۱۴	بدنه و قالب بحث
۱۵	چلچراغ
۱۵	اشاره
۱۵	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۱۵	بدنه و قالب بحث
۱۷	کدوم نمازهای جماعته که واجبه؟
۱۷	لطیفه
۱۸	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۲۰	شکر خدا
۲۰	اشاره
۲۰	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۲۳	بدنه و قالب بحث
۲۳	تمثیل
۲۴	نماز استکی
۲۴	اشاره

۲۴	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۲۶	نماز مستحب قضاء
۲۷	بدنه و قالب بحث
۲۷	مشارکت
۳۰	قلعه نفوذ ناپذیر
۳۰	اشاره
۳۰	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۳۵	ساحل آرامش
۴۰	نماز عشق بازی یا ادب ورزشی؟
۴۰	اشاره
۴۲	بدنه و قالب بحث
۴۲	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۴۳	مشارکت
۴۵	هدیه ای بزرگ
۴۵	اشاره
۴۶	شروع و ایجاد انگیزه اولیه
۴۸	چراغ هدایت
۴۸	اشاره
۴۸	نانوتکنولوژی
۴۹	بدنه و قالب بحث
۴۹	مشارکت
۴۹	معما
۴۹	مشارکت
۵۰	تمثیل
۵۰	قالب تشبیهی
۵۳	احساس خدا

۵۳ اشاره

۵۴ شروع و ایجاد انگیزه اولیه

۵۴ بدنه و قالب بحث

۵۵ دعای پایانی

۵۶ تشکر از خدا

۵۶ اشاره

۵۷ شروع و ایجاد انگیزه اولیه

۵۸ بدنه و قالب بحث

۶۲ درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: زنگ نماز/ سراینده احمد زرهانی؛ تصویرگر سیاوش ذوالفقاریان.

مشخصات نشر: [قم]: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری: ۳۳ص.: مصور (رنگی).

شابک: ۱۳۵۰ریال

یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۷۵.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۷۷.

موضوع: شعر

شناسه افزوده: زرهانی، احمد، ۱۳۳۲ -

شناسه افزوده: ذوالفقاریان، سیاوش، ۱۳۳۶ -، تصویرگر

رده بندی دیویی: ۱فا۸

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۵-۵۵۷۲

ص: ۱

فهرست

سرآغاز ۶

داروخانه شبانه روزی ۷

چلچراغ ۱۱

شکر خدا ۱۷

نماز استکی ۲۱

قلعه نفوذ ناپذیر ۲۷

ساحل آرامش ۳۳

نماز عشق بازی یا ادب ورزی؟ ۳۹

هدیه ای بزرگ ۴۵

چراغ هدایت ۴۹

احساس خدا ۵۵

تشکر از خدا ۵۹

ص: ۳

مربیان و مبلغان گرامی! مجموعه ای که پیش رو دارید، محتوای معارف نماز است که به صورت طرح بحث های کلاسداری برای مخاطبان مشخص تدوین شده است.

یکی از خواسته های همیشگی مربیان و مبلغان عزیز، محتواهای قابل ارائه و نمونه اجراهای نمازی برای مخاطبان کودک و نوجوان و جوان بوده است. گروهی از مبلغان مرکز تخصصی نماز که دارای تجربه بیشتر بوده، مباحث متعددی را در جمع های مختلف ارائه کرده اند و این تجربیات ارزشمند قابل انتقال به دیگران نیز هست.

در پاسخ به آن نیاز و جهت بهره بردن از این تجربیات، کارگروه نوجوان و جوان مرکز تخصصی نماز تعدادی از مبلغان صاحب تجربه و ذوق و سلیقه تبلیغ دانشآموزی را دعوت به نوشتن طرح درسهای نمازی کرد. پس از دریافت این طرح درسها و بررسی و ویرایش محتوایی و ساختاری، مجموعه ای که پیش رو دارید فراهم گردید.

امتیازی که این درسنامه داراست، چینه منطقی مباحث بر اساس ارکان و اصول کلاس داری و روش های ارائه مفاهیم دینی است. بنابراین فرم طرح درسها شامل: شروع مناسب و ایجاد انگیزه اولیه، قالب ارائه بحث (متن اصلی)؛ تنوعها (مشارکتها) و تکلیف پایانی است.

شما میتوانید با در نظر گرفتن سطح مخاطب خود و موضوع مورد نیاز، یکی از طرح درسها را انتخاب و با چاشنی ذوق و سلیقه خود بحثی جوانپسند ارائه نمایید.

امیدواریم این مجموعه که اولین کار از این نوع است، پاسخگوی بخشی از نیازهای مربیان و مبلغان ارجمند باشد. مشتاقانه منتظر انتقادات و پیشنهادات و طرح درسهای پیشنهادی شما برای شماره های دیگر هستیم. جهت برقراری ارتباط با ما به درگاه enamaz.org مراجعه فرمایید.

در پایان از تمامی عزیزانی که در به ثمر رساندن این طرح درسها ما را یاری داده اند کمال تشکر را داریم.

مرکز تخصصی نماز

به نام خدا

خداوندا پناه بندگانی

نباشد جز تو یار مهربانی

خداوندا همه نیکویی از توست

نوازش از تو و دل جویی از توست

دوستان خوبم سلام. حالتون خوبه؟ امیدوارم همیشه سالم باشید.

بچه ها یک سؤال ازتون دارم. تا حالا شده نصف شب مریض بشید و احتیاج به دکتر پیدا کنید؟ خوب اگر چنین اتفاقی براتون پیش بیاد چه کار می کنید؟ حتماً دنبال یک درمانگاه یا بیمارستان شبانه روزی میگردین که اون موقع شب دکتر داشته باشه. بعدش هم برای اینکه داروهاتون رو بگیرید به سراغ داروخانه شبانه روزی می روید و سعی می کنید این داروها رو سر وقت و طبق دستور پزشک مصرف کنید تا زودتر خوب بشید. حالا اگر یک نفر مریض بشه و دسترسی به دکتر نداشته باشه، حالش هم خیلی بد باشه چه اتفاقی می افته؟ ... به خاطر همین در هر شهری یک درمانگاه و داروخانه شبانه روزی می سازند.

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

بچه های عزیز، ما آدمها وقتی وارد دنیا شدیم روح سالمی داشتیم، و از هر مریضی و آلودگی پاک بودیم؛ اما به مرور زمان میکروب غفلت و کثیفی گناه روی روح پاکمون نشست و بیمار شدیم؛ ولی خدا که خیلی مهربونه و ما بندها رو خیلی دوست داره به فکرمون بوده و هست و برای درمان بیماری ما یک فکر اساسی کرده و اون هم فرستادن تعدادی دکتر با مهارت برای ماست. اگر گفتین دکترهای خدا کیا هستند؟ بله! پیامبران و ائمه اطهار(ع). اون ها بهترین دکترهایی هستند که خدا برای نجات ما از چنگال میکروبها و آلودگی های روحی فرستاده. طیب همه دردها یعنی پیامبر اکرم؟ ص؟ یک داروخانه شبانه روزی به ما معرفی کرده. کی می تونه بگه این داروخانه اسمش چیه؟ بله! بالای سر این داروخانه نوشته شده "داروخانه شبانه روزی اسلام". توی این داروخانه شبانه روزی یک داروی شفابخش هست که غفلت و فراموشی ما بنده ها رو شفا میده. حالا بگید این چه دارویی هست که خدا برای ما تجویز کرده؟

احسنت این دارو نمازه. ما هم باید دقیقاً طبق دستور، از این داروی شفابخش مصرف کنیم.

حالا شاید این سؤال توی ذهنتون پیش بیاد که آدمهای خیلی خوب که اصلاً گناهی نکردند پس چرا باید نماز بخونند؟ اونها دچار بیماری نشدنند که احتیاج به دارو داشته باشند؟ در پاسخ این سؤال باید بگیم که نماز برای اونهایی که مریض هستند

داروست و برای اونهایی که پاک و سالم هستند، پیشگیری از ابتلاء به بیماری و گناه است. همتون میدونید که امروزه برای پیشگیری از بیماریهای خطرناک، آدمها رو واکسینه میکنند.

خوب! گفتیم که دارو باید طبق دستور پزشک مصرف بشه. خدا هم یک دستور دقیق برای نماز خوندن به ما داده. دستورش هم این است که ما باید پنج وعده نمازهای روزانه رو با احکام خاصش به جا بیاریم؛ البته این نکته رو هم بگم که غیر از این نمازهای یومیه که واجبند نمازهای مستحبی هم هستند؛ مثل نماز نافله که در واقع در حکم داروهای تقویتی هستند.

البته نماز فایده ها، آثار و برکات زیادی داره که ما امروزه فقط به یک فایده اون یعنی پاککنندگی اون اشاره میکنیم. در فرصتهای بعدی درباره آثار و فواید دیگر نماز با هم صحبت خواهیم کرد.

حالا من چند بیت شعر روی تابلو می نویسم تا با هم بخونیم:

اگر خواهی دلت آرام گیرد / صفا و نور اطمینان پذیرد

بیا و آشتی کن با خدایت / که دارد با تو لطف بی نهایت

تو محتاجی، خدایت بیناز است / همیشه در گهش روی تو باز است

ز عمق جان خدایت را صدا کن / به پیش آن یکی قامت دو تا کن

شعار پیرو قرآن نماز است / نشان فرد با ایمان نماز است

مهیا شو به سوی قبله رو کن / بیا با خالق خود گفت و گو کن

بدنه و قالب بحث

خوب همین جا به دعا کنم و شما آمین بگین: خدایا به ما هم بدن سالم و هم روح آرام و پاک عنایت بفرما.

الهی دانایی ده که از راه نیافتیم بینایی ده که در چاه نیافتیم

الهی آمین

دعای پایانی

ان شاء الله دوستان برای جلسه بعد آیهای که اشاره می کنه "منبع آرامش فقط ذکر و یاد خداست" رو با آدرس دقیق بنویسند و بیارن.

تکلیف

ص: ۶

عنوان درس: چلچراغ

موضوع: نماز جماعت (فضیلت و فلسفه آن)

شعر: بارلها دوست می دارم تو را ای تو با جان و دل من آشنا

ای خدای بی شریک و بی قرین در میان دوستانم بهترین

به نام بهترین دوست و یار و یاورمون خدای مهربون، بچه های عزیز سلام...

دوستان خوبم حتماً با علامت بزرگتر، کوچکتر و مساوی < > = آشنایی دارید. به نظر شما بین این اعداد چه علامتی باید قرار بدیم؟

۱۵۰، ۳۰۰، ۲. حتماً می گید این که معلومه دیگه ۱۵۰ < ۳۰۰ و ۲ < ۳۰۰ است؛ ایا من علامت مساوی قرار میدم ۱=۱۵۰ و ۲=۳۰۰. تعجب کردید؟ چطور ممکن است ۱ مساوی ۱۵۰ باشد؟ یا ۲ مساوی ۳۰۰.

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

دوستان خوبم، شما میدونید که خداوند، پیامبران و فرستادگانش رو خیلی دوست داره؛ چون بندگان خوبش بودند. خداوند با کسی پسرخالگی نداره. هر که به حرف خدا بیشتر گوش بده و اطاعتش بیشتر باشه، پیش خدا عزیز تره. مثل شما که هر چه بیشتر به حرف پدرتون گوش بدید، عزیز ترید. پدر هم خواسته هاتونو راحت تر و بیشتر فراهم می کنه؛ ایا در بین پیامبران خدا، حساب پیامبر اسلام یعنی حضرت محمد؟ ص؟ جد است و اصلاً به ایشون می گیم: حبیب الله؛ یعنی کسی که عزیز جونجونی خداونده. برای همین یکبار فرشته الهی جبرئیل امین، پیش پیامبر او آمد و گفت: ای حبیب خدا، خداوند به شما آخرین پیامبر، دو تا هدیه ویژه عنایت کرده: یکی نماز وتر (نماز شب) و دومی نماز جماعت. (توضیح مختصر درباره نماز وتر) پیامبر خدا از جبرئیل سؤال کردند: خوب فضیلت نماز جماعت چیه؟ یعنی اگر امت من بجای اینکه نمازشونو به تنهایی و فرادا بخونند، در جمع و به جماعت بخونند چی گیرشون می یاد؟

بدنه و قالب بحث

به یک بنده خدایی گفتند: چرا در نماز جماعت شرکت نمیکنی و همیشه تنهایی و در خونه نمازتو می خونی؟ جواب داد: مگر قرآن نخوندید؟ خود خدا دستور داده نمازتونو تنها بخونید: اِنَّ الصَّلَاةَ تَنهَاهُ عَنِ الْمُنْكَرِ. (۱)

جبرئیل گفت: یا رسول الله خداوند می فرماید: اگر کسی به یکی اقتدا کنه و نماز جماعت دو نفره برگزار بشه، برای هر یک

از اون دو نفر به ازای هر رکعت نمازشون، ثواب نماز ۱۵۰ نفر رو ثبت می کنند، اگر دو نفر اقتدا کنند، برای هر رکعت، ثواب ۳۰۰ نماز

اگر چهار نفر باشند ۱۲۰۰

پنج نفر ۲۴۰۰

شش نفر ۴۸۰۰

هفت نفر ۹۶۰۰

هشت نفر ۱۹۲۰۰

نه نفر ۳۶۴۰۰

ده نفر ۷۲۸۰۰ نماز...

اما اگر تعداد حاضران از ۱۰ نفر بیشتر شد، اگر همه آسمونها کاغذ، همه دریاها مرکب، و همه درختها قلم و همه جن و انسانها و فرشتگان نویسنده بشن، نمی تونند ثواب یک رکعت چنین نماز جماعتی را بنویسند. (۲)

حالا من یک سؤال می کنم: بچه ها اگر اعلام کنن جمعه ساعت هفت صبح برنامه پیاده روی از میدان اصلی شهر تا مثلاً امام زاده برگزار میشه و به پنجاه نفر در قرعه کشی، نفری یک میلیون جایزه میدن، ماهایی که جمعه ها تا ساعت ده می خوابیم، اون روز از پنج صبح بیداریم و آماده رفتن میشیم یا نه؟ معلومه که می شیم. چرا؟ چون شاید یکی از پنجاه نفر باشیم و یک میلیون گیرمون بیاد. بعضی ها برای رسیدن به پول هر کاری می کنن و هر سختی ای به خودشون میدن؛ امّا به معنویات و وعده های خدا که میرسه بی حال میشن... شایدم قبول ندارن!!

خوب باز یک سؤال دیگه: حاج آقا میشه زیر دیپلم برامون حرف بزنی، بگی نماز جماعت چه فایدهای داره؟ آخه ما هر کاری میکنیم باید فایده شو بدونیم!

ص: ۷

۱- عنکبوت: ۴۵

۲- بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۴.

ابوعلی سینا نامهای به استادش (ابوسعید ابوالخیر) نوشت و از او همین سؤال رو کرد که آقا چه اصراریه که نمازمو را به جماعت بخونیم؟ ابوسعید در جواب نوشت:

اگر در اتاقی یک چراغ روشن باشه، با وزیدن بادی، اون چراغ فوراً خاموش می شه؛ اما اگر ده چراغ، بیست یا چهل چراغ باشه چطور؟

گاهی در نماز حواس آدم پرت میشه؛ اما اگه چند نفری حضور قلب داشته باشن، خدا به خاطر همون چند نفر، نماز بقیه رو هم قبول می کنه. هرچند اگر اون حواس پرتها هم اگه حضور قلب می داشتند، ثواب بیشتری نصیبشون می شد.

معماً: [برای ایجاد تنوع و مشارکت مخاطبان در بحث یک سؤال مطرح می کنیم]

کدوم نمازهای جماعته که واجبه؟

کسی که حمد و سوره رو نمی تواند صحیح بخونه؛

کسی که پدرش به او امر کرده نمازش رو به جماعت بخونه؛

کسی که زیاد در نمازش شک میکنه.

کدوم نمازه که به جماعت خوندنش حرامه؟ نمازهای مستحبی

کدوم نمازه که باید حتماً به جماعت خونده بشه؟ نماز جمعه

لطیفه

با یک داستان برناممون رو به پایان میریم:

«صفهای نماز شکل گرفته بود و مؤذن داشت اذان میگفت؛ اما اذان بوی غم میداد، اصلاً تمام مسجد و مسجدیها رو غم گرفته بود، غم شهادت فرزند و یادگار عزیز حضرت امام خمینی، آقا مصطفی. خبر شهادت آقا مصطفی مثل بمب تو شهر نجف صدا کرده بود. همه منتظر بودند ببینند امروز چه کسی به جای امام جماعت به مسجد میاد. کسی فکر نمیکرد امروز خود آقا برای اقامه نماز به مسجد بیاد، اما با کمال تعجب و ناباوری حضرت امام مثل روزهای قبل سر وقت همیشگی وارد مسجد شدند. صدای گریه و ناله جمعیت برای همدردی با حضرت امام بلند شد؛ اما امام صبورانه و محکم به سمت محراب رفتند و شروع به گفتن اقامه کردند...

اون روز همه این درس بزرگ رو از امام یاد گرفتند که هیچ چیز نباید ما رو از فضیلت نماز جماعت محروم کنه، اقامه جماعت جایگاه خودش رو داره. چقدر چهره دوست داشتنی امام بعد نماز دیدنی بود، چه آرامشی در صورتشون موج میزد آرامشی که فقط از نماز و ارتباط قوی با خدای آرامشبخش، به دست میاد. (۱) "الا بذکرالله تطمئن القلوب" (۲)

ان شاء الله همه ما اهل نماز جماعت باشیم و یک روز نماز مون را به امامت بهترین امام جماعت عالم یعنی امام زمان حضرت مهدی (عج) بخوانیم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

دعای پایانی

ص: ۸

۱- سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۶۵.

۲- رعد: ۲۸

عنوان درس: شکر خدا

موضوع: فلسفه و چرایی نماز

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

دوستان خوبم سلام، حالتون خوبه، احوالتون چطوره؟ ان شاء الله همیشه سالم و سرزنده باشید.

روزی که آفرید تو را صورت آفرین بر آفرینش تو به خود گفت: آفرین

صورت نیافریده چنین صورت آفرین بر صورت آفرین و بر این صورت، آفرین

دوستان شعری که خوندم به آیه‌های از آیات قرآن اشاره داره. کسی میتونه اون آیه رو بگه؟

بله، تشکر آیه "فتبارک الله أحسن الخالقین" (۱)

می دونید که خداوند موجودات زیادی خلق کرده؛ ملائکه و جنیان، انسانها و حیوانات، گرات و منظومه ها و خیلی چیزهای دیگه؛ امّا خداوند تنها یک جا، خودش رو تحویل گرفته و به خودش آفرین گفته! اون هم موقعی ست که آدم (انسان) رو آفرید. چرا؟ مگه انسان چه تحفه ایست؟!

انسان یکی از عجیب ترین و شگفت انگیزترین و پیچیدهترین مخلوق خداست و خدا در آفرینش انسان سنگ تمام گذاشته. شاید بگید انسان در مقابل منظومه ها و کرات عالم بالا عددی نیست. خوبه به این چند تا یک عدد توجهی بکنید:

۰۰۰/۰۰۰/۱۵ در هر ثانیه در بدن هر انسانی این تعداد سلول پدید مییاد و به همین تعداد هم، سلول از بین میره، "در یک ثانیه!!"

۰۰۰/۵۰ هر ۵۰ هزار سلول که کنار هم قرار داده بشه میشه اندازه سر سوزن.

حالا- این سلول که میگیریم، مثل پارهای آجر نیست که روی هم گذاشته بشه و دیواری به وجود بیاد. نه، هر سلول خودش کارخانهایست: هسته داره، غشاء داره، سیتوپلاسم داره، حرکت داره، سوخت و ساز داره و نیاز به انرژی داره، این انرژی توسط حرکت سلولهای خونی در بدن، به بقیه سلولها میرسه تا اونها به حیاتشون ادامه بدن. جالبه بدونید دانشمندان میگن هر ۵ سال تمام سلولهای بدن تعویض و تجدید میشن غیر از سلولهای مغز و قلب؛ چون اگه سلولهای مغز عوض بشن، تمام محفوظات آدم فراموش میشه.

۸۰۰/۱۰۰ در هر دقیقه قلب یک انسان سالم حدود ۷۰ بار طپش دارد که اگر ضرب در ۱۴۴۰ دقیقه (دقایق یک شبانه روز) کنیم تعداد طپشهای قلب در یک شبانهروز میشه حدود صد هزار بار که در حالت اضطراب گاهی تا ۱۸۰ بار در دقیقه میطپه. (۲) قلبی که از ماه دوم زندگی در جنین مادر کارش را شروع می کنه و با مرگ انسان به کارش پایان میده حتی یک روز هم به خواب نمیره، از کار نمایسته، خستگی نمی شناسه؛ اما آدم با ستمکاری اون رو آزار میده، با آتش کینه کبابش می کنه، با اندوه و ماتم خسته و کوفتش میکنه.

۱۹/۰۰۰ خون در بدن در هر دقیقه ۳ بار گردش میکنه و ۱۹ هزار کیلومتر راه رو طی میکنه.

۵۶۰/۰۰۰ طول رگهای بدن یک انسان متوسط چیزی حدود ۵/۱ برابر فاصله کره زمین تا کره ماه است.

اگر فاصله تهران - مشهد هزار کیلومتر باشه یعنی ۲۸۰ بار رفت و برگشت تهران - مشهد.

رگها مثل لوله های آب که ضخیم و متوسط و باریک و... داره، سرخرگ داره، مویرگ داره.

اینها که گفتم گوشه ای از پیچیدگی ها و عظمت های خلقت خدا درباره بدن و فیزیک انسان است.

خداوند میفرماید: "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ" (۳)؛ ما انسان را به بهترین شکل ممکن آفریدیم و "الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ" (۴)؛ به تناسب و سامان و منظم، نه کاریکاتوری، نه بی حساب و...

از کبد و کلیه ها و معده و دستگاه گردش خون و سیستم عصبی و مخابراتی بدن و مغز و پوست و... اگر بخوایم حرف بزنیم، ساعتها و روزها و هفتهها باید وقت بذاریم و اونقدر مطلب هست که...

و همه اینها تازه جسم انسان است، که در برابر روح آدمی، قطرهای است در برابر دریا. خداوند به پیامبرش می فرماید: "ای پیامبر ما! از تو راجع به روح می پرسند" یسئلونک عن الروح " بگو اصلاً سوال نکنید" قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي... (۵) " روح دیگه در قد و قواره شما نیست که بخواید راجع بهش براتون حرف بزنه. مثل این می مونه که از یک بچه ابتدایی راجع به حساب دیفرانسیل و فیزیک هستهای بررسی.

حاج آقا! خوب حالا این همه عدد و رقم گفتمی و حرف زدی حرف حسابت چیه؟ خست مون کردی! چی میخوای بگی؟

اینجا یه سؤال مهم پیش می یاد که: خدایا برای چی این موجود عجیب و غریب و شگفت انگیز رو آفریدی، خدا جون شما که حکیمی و کارات حساب و کتاب داره از این آدمیزاد چه توقعی داری؟

ص: ۱۰

۱- مؤنون: ۱۴.

۲- سایت تبیان/کتابخانه/بخش پزشکی.

٣- تين: ٤.

٤- انفطار: ٧.

٥- اسراء: ٨٦.

یه وقت شما ۵۰۰ تومن مایه میذارى و یک سیستم میخرى و باهاش کارای تایپ و فوتوشاپ و مهندسى و طراحی و اینها انجام میدى؛ اما یکى پولش اضافه یک سیستم یک و پونصدى مى خره میده دست بچش با اون کارتون بینه و بازی کنه!

خدا میفرماید: "ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبَدُون" (۱)؛ انسانها و جن آفریده شده اند تا...

خندهدار نیست که فکر کنیم خداوند ما را با این همه پیچیدگیها و عظمت و این دنیای عظیم با این همه وسعت و نعمت را آفریده که چند صباحی در اون بخوریم و بنوشیم و لذت ببریم و کار و درس و خواب و شهوت و... همین؟! بعد ۶۰ سال ۷۰ سال سال بگو ۱۰۰ سال درد و مرض این اُوهُن اَنَا الیه راجعون! و مرگ ...

تمثیل

نظر شما چیه دوستان؟ (اگر مخاطب دختر بودند، خواهران خوبم!) شنیدن پاسخهای مخاطبان...

بله همه آفرینش برای یک چیز است و اون عبادت و اطاعت خداست؛ عبادتی که زمینه رشد و تکامل روحی و آرامش و سعادت انسان میشه.

بینید دوستان: مثل ما آدم ها مثل این چراغها و لامپهای روشناییه؛ تا زمانی که به نیروگاه وصل باشه و هم کلید روشن، لامپها هم نور میده و روشنه؛ اما اگه قطع باشیم و ارتباطمون با مبدأ نور و کمال برقرار نباشه خاموش و تاریک و بیچاره ایم...

امام صادق(ع) فرمودند: "هر وقت غم و غصه ای یا مشکلی به سراغتون آمد وضو بگیرید و دو رکعت نماز بخوانید و از خدا کمک بخواهید چون خود خدا میفرماید: "واستعينوا بالصبر و الصلاه". نماز وصل شدن به اصله، نماز پناهدن بچه به آغوشه مادریه؛ نماز افتادن قطره در دریای رحمت الهی است. ما تا زمانی که دستمون در دست خدا باشه آرام هستیم.

با خدا باش پادشاهی کن بیخدا باش هرچه خواهی کن

ایجاد مشارکت

ص: ۱۱

عنوان درس: نماز راستگی

موضوع: اهمیت دادن به نماز

ما پیروان مُصحف و در دین احمدیم بر جملهٔ خلائق عالم سرآمدیم

شکر خدا که در همه گیر و دارها ما متکی به مهدی آل محمدیم

هوا خیلی گرم بود، آفتاب داغ مدینه بد جوری آزار دهنده بود. جوان نشسته بود زیر سایه دیوار خانهای، از دور مردی با وقار میآمد. چهره نورانی و دوست داشتنی ای داشت. نزدیکتر شد. جوان آقا را شناخت، بله آقا امام صادق (ع) بود که از آنجا رد میشد. جوان به احترام ایشان از جا بلند شد و جلو رفت و سلام کرد. حضرت هم او را تحویل گرفت و با لبخندی ملیح سلامش را جواب داد، بعد از احوال پرسی، حضرت نگاهی به جوان کرد و فرمود: "فرزندم شما از محبین و شیعیان ما هستید؟" [آخر در مدینه همه جور آدمی بود و هست. هم دوستان اهل بیت؟ عهه؟ و هم دشمنان آنان از قدیم در این شهر بوده اند]. جوان گفت: "بله آقا، من افتخار می کنم که محب و مرید شما هستم یابن رسول الله!" حضرت فرمود: "فرزندم همیشه از زیر سایه این جا به زیر آن درخت بروی و آنجا (آن طرف کوچه) بشینی؟" جوان یک نگاهی به درخت کرد و بلافاصله گفت چشم و حرکت کرد، در همین حال به ذهنش آمد که پرسد آقا، این سایه با آن سایه چه فرقی داره؟ حضرت قبل از اینکه جوان سؤالش را به زبان بیاورد فرمود: "این خانهای که شما زیر سایه اش نشسته بودی، خانه یکی از ناصیها (که دشمن اهل بیتاند) است. در روز قیامت صاحب این خانه به همین اندازه که سایه دیوار خانه اش باعث خنک شدن محب ما شده از ما طلبکار می شود و حقی پیدا می کند و آنجا باید جبران کنیم. (۱)

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

این گوشهای از لطف و محبت اهل بیت (ع) نسبت به دیگران است...

همین امام عزیز، ساعتی آخر عمرشان فرمودند: بروید همه اقوام و دوستان و آشنایان را خبر کنید بیایند. می خواهم وصیت کنم، حرف مهمی دارم. همه حساس شدند امام صادق (ع) که در تمام عمر با برکت شان روایات فراوانی نقل کردند و بیشتر احکام و دستورات اخلاقی و معارفی دین و مذهبمان مدیون جملات و احادیث ایشان است، حالا چه میخواهند بگویند. همه جمع شدند دور بستر آقا. نفسها در سینه حبس شده بود. همه با دقت منتظر بودند ببینند این حرف و سفارش مهم آقا در پایان عمرشان چیست؟ امام لب باز کردند و فرمودند: "قسم به خدا [میدونید قسم خوردن کار خوبی نیست و بزرگان و ائمه برای چیزی قسم نمی خوردند؛ آن هم قسم جلاله به خدا...] به شفاعت ما اهل بیت نمیرسد... (چه کسی؟) کسی که نمازش را سبک بشمارد و به آن اهمیت ندهد. (۲)

همه ما شیعیان امید و آرزویمان این است در قیامت که کار خیلی سخت میشه و نیاز به کمک داریم، اهل بیت(ع) به فریادمان برسند و پیش خدا ضمانت و شفاعتمان را بکنند.

امامی که آنقدر مهربان و دلسوز است که در روایت آمده "الامامُ الوالدُ الشفیق" (۳)؛ امام، پدر مهربان مردم است. امام مثل ابر رحمت است؛ امامی که اگر دشمنش هم به او کوچکترین خدمتی کند لطفش را جبران میکند؛ اون وقت این امام، به کسی که نمازش را سبک بشمارد در قیامت (آن هم در اوج نیاز)، توجهی نمیکند.

یکبار دیگه به این جمله دقت کنید: کسی که به نمازش بیتوجه و سهل انگار باشد، نه کسی که اصلاً نماز نمیخواند؛ یعنی کسی که می خواند اما بد می خواند، خط در میان، عشقی و هر وقت شد می خواند.

رفقا! اهل بیت با تمام مهربانی و دلسوزی شان نسبت به ماها، از کسی دستگیری می کنند که حداقل های مسلمانی را انجام دهد، این حرف خیلی عجیب نیست؛ چون خداوند متعال که مهربانی پیامبر اکرم و امامان، یک جلوه کوچکی از مهربانی اوست در قرآن کریم می فرماید:

ص: ۱۲

۱- کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲- بحارالنوار، ج ۱، ص ۱۷۳.

۳- الحیاه، ج ۳، ص ۲۸۰، ترجمه احمد آرام.

"وَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (۱)"

وای بر نمازخوانها. کدام نمازخوانها؟ "الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ" (۲): کسانی که نسبت به نماز سهل انگارند. آنهایی که نماز نمی خوانند که هیچ، مرخصاند و آنهایی هم که می خوانند و بد می خوانند عاقبت شان "ویل" است. "ویل" چیه؟ بگو کجاست! "ویل" یکی از درّه‌های جهنم است که خیلی وحشتناک و خوف انگیز است! می دونید که جهنم هم بالا شهر و پایین شهر داره، همه جاش یکسان و یک جور نیست ... خدا به دادمون برسه!!

رفقا! می دانید ما چند جور نماز داریم؟

بله احسن نماز واجب اداء

نماز مستحب قضاء

اما یک نماز داریم:

هر روز می خوانیم بهش می‌گن یومیه / هفته ای یکبار می خوانیم جمعه / گاهی پیش می‌آید آیات

سالی یکبار می خوانیم عید / کسی وقتی مُرد می خوانیم میت

اما یک جور نمازهای دیگر هم داریم:

نماز چپکی نماز آدمی که پشت به قبله بخواند

نماز پفکی نماز "ریایی" که ظاهر قشنگی داره؛ اما بی‌خاصیت و بی فایده است.

نماز نیمکی نماز شکسته در سفر

نماز زورکی به اجبار و ترس از بابا و مدیر مدرسه و نمره انضباط و ...!

نماز یدکی نماز قضا، احتیاط

نماز پولکی برای کارت استخر و جایزه و ...

نماز راستکی ...

خوب، به نظر شما نماز راستکی چه جور نمازی است؟ معلوم است؛ نمازی که چپکی و پفکی و زورکی و پولکی نباشه، خوب میشه راستکی!

نمازی که اول وقت خوانده شود. ما اگر در انتظار مهمان عزیزی باشیم، برای آمدنش بی طاقت میشویم و میریم سر کوجه به

استقبالش. به ما گفتند: قبل از وقت نماز، خودتان را آماده کنید، وضو بگیرید، موهاتان را شانه بزنید، خودتان را معطر کنید، سجاده اتان را پهن کنید، اذان و اقامه بگویید. این کجا و یا اینکه طرف آخر وقت با هول و عجله به نماز میایستد و یک نماز کلاغی!! می خواند.

بدنه و قالب بحث

حالا چند نمونه از موارد سبک شمردن نماز را شما بگویید؟

شما بگویید من می نویسم:

نرفتن به مسجد و نماز را فرادا خواندن

نخواندن نماز در اول وقت

نداشتن حضور قلب در نماز (تمرکز و توجه نداشتن)

کسی که نماز قضا دارد ولی فکر به جا آوردن آن نباشد

کسی که آداب نماز را رعایت نکند

کسی که در پی یاد گرفتن احکام نماز نباشد

...

مشارکت

خوب جلسمون را با یک بیت شعر زیبا به پایان میبریم؛ ان شاء الله خدا به هممون توفیق نماز خواندن خوب و راستگی را عنایت فرماید:

ارزنده ترین گوهر مقصود نماز است زینده ترین هدیه به معبود نماز است

آن روز که آید ز پس پرده غیبت اول هدف مهدی موعود نماز است (۳)

دعای پایانی

ص: ۱۳

٢- الماعون:٥.

٣- استاد جواد محدثی.

عنوان درس: قلعه نفوذ ناپذیر

موضوع: نماز و استحکام شخصیت

مخاطب: ابتدایی □ راهنمایی □ دبیرستان □

دخت-----ر □ پس-----ر □ ه-----ر دو □

طراح: حجت الاسلام محمود شهرجردی

آقای "ساموئل هانگ تین تون" تئورسین غربی، کتابی داره به نام برخورد تمدنها که فرهنگ و سیاستهای غربیها بر اساس نظرات اوست. او در این کتاب میگه: تمدن غرب با تمام یال و کوپالش، با صدها شبکه ماهوارهای، سایت اینترنتی و ارتباطی و تمام بنگاههای متعدد خبرسازی و خبر پراکنیاش و جنگ روانی تمام عیاری که در دنیا علیه اسلام و شیعه و جمهوری اسلامی راه انداخته، در برابر یک فرهنگ شیعی که سی سال از ظهور و قدرت پیدا کردنش با انقلاب اسلامی ایران نگذشته، کم آورده و این فرهنگ به ظاهر کوچک و نورس، اون تمدن چند ده ساله را به زانو در آورده. او در کتابش اعتراف میکنه، نفوذ این فرهنگ با یک هزارم، نه، یک صد هزارم امکانات تبلیغاتی و رسانهای و مالی نسبت به غرب از اون فرهنگ [و به قول خودشان تمدن با عظمت]، بیشتر شده است و دنیا را تحت تأثیر خود قرار داده. یک نمونه کوچکش همین انقلابهای عربی و بیداری اسلامی است.

حتما میدونید که در این مواجهه و مقابله، یک طرف ایرانیه و اون طرف دیگه آمریکا و تمام کشورهای اروپایی غربی و حتی کشورهای مرتجع عربی.

راستی تا حالا فکر کردید که این فرهنگ شیعی ما چی داره که اینقدر تو دنیا صدا کرده و اثر گذاشته؟ و مایی که همچین دین و مرام و فرهنگ غنیای داریم چطور میتونیم نفوذ ناپذیر بشیم؟ یا چگونه همین طور که قدرتهای زورگو و شیطانی دنیا رو به زانو در آوردیم، شیطان قسم خوردمون ابلیس رو هم از میدون زندگیمون به در کنیم و محکم و قوی در برابرش بایستیم؟!

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

بدون شک همه انسانها دوست دارن موفق باشند و روی دیگران تأثیر مثبت بگذارند؛ اما هر قدرت و توفیقی، یک راز عوامل و زمینه هایی داره. جامعترین و کاملترین برنامه برای رسیدن به موفقیت چیه؟ چه اصولی را باید در رفتارهامون در نظر بگیریم تا شخصیتی اثرگذار پیدا کنیم؟

بیا یاد از قرآن که جامعترین کتاب و برنامه زندگی است کمک بگیریم. قرآن اصول و عوامل رسیدن به شخصیت نفوذناپذیر و

اثرگذار بر دیگران را در قالب یک مثلث بیان می‌کند؛ مثلی که سه ضلع دارد که لازمه رسیدن به اون توفیق و کمال، در نظر گرفتن سه نوع مراقبت.

مراقبت از چی؟

۱. مراقبت نسبت به خدا "اتقوا الله" (۱)

۲. مراقبت نسبت به قیامت "اتقوا یوما لاتجزی نفس عن نفس شیئا" (۲)

۳. مراقبت نسبت به شیطان "اتقوا الفتنه" (۳)

این سه کار کلیدی، پایه و اساس موفقیت. هرکس هم به جایی رسیده و قدر و منزلتی پیدا کرده در سایه این سه مراقبت بوده.

یکی از یادگاران دوران جنگ بنام سردار "نوعیاقدم" که از جانبازان شیمیایی و از هم‌زمان شهید باکری در لشکر ۳۱ عاشورا بوده می‌گه: "اگه از من بپرسن جنگ و دوران دفاع مقدس رو برامون معرفی کن، میگم در جبهه‌ها خدا بود. تو جبهه‌ها آخرت پررنگ بود و دنیا کم‌رنگ و بی ارزش. اگه بخوام توی یه جمله دیگه بگم باید بگم که بچه رزمنده‌ها تو جبهه‌ها حواسشون به شیطان جمع بود و گول شیطانو نمی خوردن. اینها بود که به بچه‌ها قوت میداد، شجاعت می داد، صدام بچه‌ها رو تهدید میکرد به بمب شیمیایی؛ اما بچه‌ها شب عملیات جشن حنابندان می‌گرفتن، وقتی اسم "محمود کاوه" می اومد لرزه بر اندام بعضی‌ها می افتاد."

ص: ۱۵

۱- آل عمران: ۱۰۲

۲- بقره: ۴۸.

۳- انفال: ۲۵

چه چیزی به بچه های جنگ قدرت و غیرت و انرژی میداد تا پشت ارتش دنیا را بشکنند؟ و امروز غرب از وجود ما احساس خطر کنه؟

یه خاطره براتون بگم از یه بزرگ و نازنین؛ آیتالله مشکینی؟ رح؟ استاد اخلاق حوزه بود. ایشون به جبهه ها میرفت و به رزمنده ها سر می زد، یه بار بچه ها از ایشون سؤال کرده بودند: حاج آقا! گاهی ما در عملیات و در گیرودار جنگ ناچار میشیم نمازمون رو با لباس خونی یا حتی در حال حرکت و با پوتین بخونیم، آیا این نمازهامون رو خدا قبول می کنه؟ یا بعداً باید قضاشونو بخونیم؟ ایشون فرموده بودند: "من حاضریم بیست سال نمازهایی را که با لباس قشنگ و در سجاده ام خواندهام را بدم به شما یکی از اون نمازهایی که با لباس خونی و نجس خوندهاید رو به من بدید!"

ایشون میدونست که نماز با لباس نجس ظاهراً نماز درستی نیست؛ اما فراموش نکنیم که مهم اون روح نمازه که باعث ارتباط قوی انسان با منبع قدرت الهی و آرامش معنوی میشه، هرچند آگه ظواهر کار هم رعایت بشه بهتره "الذین آمنوا تطمئن قلوبهم بذكر الله، الا بذكر الله تطمئن القلوب" (۱).

امروزه از نظر روانپزشکی هم ثابت شده که ایمان و ارتباط با خداوند، ترس و تشویش و افسردگی را از زندگیها برطرف میکنه. الکسیس کارل (روانشناس بزرگ غربی) در کتاب راه و رسم زندگی میگه: "نماز به آدمی نیروی تحمل غمها و مصیبتها رو میده، انسان رو قوی میکنه، امید و استقامت در مقابل حوادث بزرگ رو میده."

یکی از نزدیکان حضرت امام خمینی \square نقل می کنه: "در اوایل جنگ (سالهای ۶۰۶۲) هر روز اخبار ناگوار و بدی از جبهه ها میرسید. در یکی از روزها استاندار وقت خوزستان تلفن زد که خرمشهر سقوط کرد و آبادان هم در خطر سقوط است. با اضطراب و دلهره گفت به امام خبر بدیم و پرسیم تکلیف چیه؟

با عجله به اتاق امام رفتم؛ دیدم امام سر سجاده نمازند و آماده فریضه ظهر. وقتی مرا دیدند فرمودند: "چه خبر؟"

من خبر رو گفتم، امام انگار که اصلاً طوری نشده و خبر را نشنیدهاند با همان آرامش و طمأنینه همیشگی فرمودند: "برید به ایشان بگید جنگ است آقا، جنگ! همین جمله را گفتند و مشغول نمازشون شدند." (۲)

امام این روحیه و قدرت و تحمل رو از کجا آوردن؟ معلومه... از ارتباط قوی با منبع قدرت یعنی خداوند متعال. قرآن میفرماید: "واستعينوا بالصبر والصلوة" (۳): در سختی ها و گرفتاری های دنیا از نماز کمک بگیرید، وصل به خدا شوید.

یه ضربالمثل داریم که میگه "با خدا باش پادشاهی کن، بی خدا باش هر چه خواهی کن". رفقا هر کس به جایی رسیده و بزرگ شده در خونه خدا به زمین افتاده و اهل سجاده و نماز بوده، باید با خدا رفیق بود.

امام صادق (ع) می فرمایند: "اگر ستون و علم اصلی خیمهای ثابت و محکم باشه، طنابها و باقی ستونها هم پا برجا میمونه و خیمه علم میشه؛ اما اگر ستون اصلی کج بشه یا بشکنه طنابها و میخها از هم باز و جدا میشن" (۴)؛ ستون و پایه شخصیت آدمها، نماز و ارتباط با خداست. این ستون رو باید محکمش کرد، برای همینه که امام صادق (ع) در جای دیگهای فرمودند:

"من بعد از شناخت خدا چیزی مهمتر و بالاتر از نماز سراغ ندارم." (۵)

خداجون ما زمین خوردیم! ما نوکرتیم! ما هم دوست داریم قوی باشیم! زندگی کش و قوس زیاد داره، بالا و پایین و سختی داره؛ به ما کمک کن اهل نمازای قشنگ باشیم، باهات رفیق باشیم تا روحی قوی و آیندهای روشن داشته باشیم.

عیب کار از جعبه تقسیم نیست! سیم سیار دل ما سیم نیست

این خدا این هم هزاران طول موج دیش احساسات ما تنظیم نیست!

ص: ۱۶

۱- رعد: ۲۸.

۲- سایت تبیان/کتابخانه/بخش اخلاق اسلامی.

۳- بقره: ۴۵.

۴- بحار انوار، ج ۵۴، ص ۱۴۸.

۵- سفینه البحار، ج ۲ ص ۴۲.

عنوان درس: ساحل آرامش

موضوع: فواید و آثار نماز

طراح: حجت الاسلام حسن عارضی

یه روز داشتم فیلمی رو در مورد انواع تبلیغاتی که در شهر لندن صورت میگیره میدیدم تبلیغات روی تابلوها و بیلبردها و روی این اتوبوسهای واحد یکی از این گروههای اومانیستی که (به خدا هیچ اعتقادی ندارند) بزرگ نوشته بودند: "اگر به خدا اعتقاد نداشته باشید هیچ اتفاقی در زندگی شما نیافته و هیچ مشکلی پیش نیآد." و وقتی با یه خانمی که از انجمن اومانیستها بود مصاحبه میکردند، میگفت: من میبینم آدمایی هستند که به خدا هیچ اعتقادی ندارند و در زندگیشون اتفاق بدی هم نیافته، مشکلی ندارند و خیلی راحت دارن زندگیشون رو می کنند و از اون طرف کشیش های مسیحی میان میگن هر کسی به خدا اعتقادی نداشته باشه یا این اعمال را انجام نده خدا اونو به جهنم می بره و اما ما اومدیم بگیم که نه بابا! هیچ اتفاقی نیافته. این حرفا کشکه، دو روز دنیا رو خوش باش، امروز رو دریاب و حال کن."

رفقا! نظر شما چیه؟ راستی اگر کسی به خدا اعتقاد نداشته باشه؛ واقعاً در زندگیش هیچ تأثیری نداره و هیچ اتفاقی نیافته؟ اصلاً دستوراتی که خدا داده (این باید و نبایدهایی که در دین ما وجود داره) چه آثاری در زندگی ما می تونه داشته باشه؟

دوست دارید بریم خدمت امام هشتم و این سؤال رو از ایشون بپرسیم؟ امام رضا(ع) در مناظرشون با یه نفر منکر خدا جواب جالبی به این سؤال دادند و به او فرمودند: "از دو حال خارج نیست: یا خدایی هست یا نیست؛ اگر حق با شما باشه و خدایی نباشه، در این صورت ما و شما برابریم و نمازهایی که خوندم و روزهایی که گرفتیم و زکات و ایمان ما به ما زیانی نرسونده و اما اگر حق با ما باشه که به هزار دلیل هست؛ در این صورت ما رستگاریم و شما زیانکار و بد بخت؛ ضرری که اصلاً قابل جبران نیست." (۱)

گفتم "نماز". شاید شما هم شنیده باشید بعضیها تو رفاقتشون با خدا یکم گیر دارن، سؤال میکنند حاج آقا! خدا چه احتیاجی به نماز ما داره که اون رو واجب کرده؟ یا اصلاً چرا ما باید نماز بخوانیم، فایده نماز چیه، با نماز خوندن چی گیرمون میآد؟

من میگم مثل ما مثل لامپی است که در "ارتباط" با نیروگاه برق و منبع انرژی، از اون نور می گیره و نور افشانی میکنه. ما انسانها فقیر و نیازمند به خداییم و خدا بیناز و غنی مطلقه "یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله" (۲).

دیدید یه بچه کوچک وقتی دست مامان یا باباشو گرفته، وارد یه جای شلوغ یا یه خیابان پر ازدحام می شه، تا زمانی که دستش تو دست بزرگترشه خیالش راحت و نگرانیای نداره؛ اما همین که دستش رها میشه و تنها می مونه چه اضطراب و نگرانیای به سراغش میآد؟! طوری که دادش میره به آسمون و میزنه زیر گریه. مثل این غریبهایی که میگن بی خدا هم میشه زندگی کرد و ما نیازی به خدا و معنویت و ارتباط با معبود نداریم، مثل اون بچه های شیطنیه که دستشون از دست

بزرگترشون جدا شده اما با دیدن جذابیت های فریبنده مغازه ها و اسباب بازی ها و... یادشون رفته کجا هستن و چه خطراتی در کمین اونهاست و اصلاً اینجا چه میکنن و قرار بوده از پدر و مادرشون جدا نشن؛ اما...

حاج آقا! یه سؤال دیگه: اینکه میگن "انسان باید نماز بخونه تا در آخرت ثواب به حسابش واریز بشه" نسیه است، نقد چی داری؟!

حتما می خوای بگی نقدش آرامشه پس چه فرقی بین نماز و یوگا وجود داره؟ آخه با یوگا هم میشه به آرامش رسید.

در جوابتون باید بگم اولاً- بیشتر نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست و فقط یک عبادت ظاهریه برای همین با حرکاتی مثل یوگا مقایسه میشه.

ثانیاً بی توجهی به اسرار و روح نماز و آثار معنوی، تربیتی، دنیوی و اخروی اون باعث توجه به ورزشهایی مثل یوگا شده.

یوگا فقط نوعی ورزش همراه با تمرکز و چیزی به عنوان ارتباط با مبداء هستی که باعث آرامش میشه درش نیست.

آلکسیس کارل (فیزیولوژیست، جراح و زیست شناس) در کتاب "راه و رسم زندگی" میگه: الهام مذهبی و توجه به خداوند و ایمان، برای نیاکان ما عامل آرامش و تعادل بود و امروز این آرامش خاطر وجود ندارد؛ چون پایه های مذهب متزلزل شده.

ص: ۱۸

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶.

۲- فاطر: ۱۵.

(با توجه به فضای امروز غرب)

یا ویلیام جیمز (فیلسوف و روانشناس بزرگ آمریکایی) می‌گه: قویترین عامل برای تسکین نگرانیها و کاهش اضطرابها ایمان و اعتقاد مذهبی است.

یک دانشمند دیگه به نام "نورمن ونیسفت گریسی" می‌گه: دعا و ارتباط با خدا بزرگترین نیروییه که برای مبارزه با دشواریهای زندگی روزانه و به دست آوردن آرامش روحی شناخته شده است.

شاید اینجا این سؤال در ذهن بعضیها ایجاد بشه که پس چرا نمازای ما این اثر یا آرامش را نداره یا اگر هم هست خیلی کمه؟ ببینید وقتی انسان به آیات و روایات نگاه میکنه جور نماز میبینه:

۱. نماز بی‌اثر: که طرف فقط برای ریا و کسب موقعیتی بخونه.

۲. نماز کماثر و یا متوسط: نمازایی که بدون خشوع و خضوع و بدون مراعات شرایط خونده میشه.

۳. نماز پراثر: نمازهای ناب که با شرایط و حضور قلب کامل خوانده میشه.

یعنی این آرامش نسبی و بستگی به نمازی داره که ما میخونیم؛ اما این آرامش هست مگر اینکه طرف هیچ اعتقادی به نماز نداشته باشه و آن را فقط به خاطر دیگران و منافع دنیوی بخونه.

یه سؤال: شما تا به حال اسمی از امواج آلفا شنیده‌اید؟ میدانید چه اثراتی داره؟ و مرکز اون کجاست؟

دانشمندا میگن "امواج آلفا" دارای خاصیت آرامبخشی بر سلسله اعصابه که در زمین هست، مرکز این امواج هم در سرزمین مکه در خانه کعبه معظمه است. (۱) وقتی که ما به سجده میریم با قرار گرفتن اعضاء و بدنمون روی زمین در وضعیتی قرار میگیریم که امواج آلفا به صورت مستقیم و ما رو تحت شعاع قرار میده، چون قبله مرکز تابش این امواجه؛ لذا تاثیر زیادی بر فرد سجده کننده داره. شاید شنیده باشید که پیامبر اکرم؟ ص؟ و ائمه؟ عه؟ چقدر تأکید و سفارش به سجده طولانی کرده‌اند. انسان با دقت در حالات و رفتار مؤمنینی که نماز با سجده طولانی میخوند آرامش خاصی مشاهده میکنه که این آرامش اعصاب در انسانهای عادی دیده نمیشه.

تازه جدای از نماز، وضو هم در تسکین اعصاب و روان تأثیر داره. چون تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک داره. به خصوص اگه وضو با آب سرد انجام شه؛ لذا میبینیم رسول خدا؟ ص؟ توصیه کرده‌اند که هنگام خشم با آب سرد وضو بگیرن. (۲)

خداوند در قرآن میفرماید: "الذین آمنوا تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ" (۳) کسانی که ایمان آوردند و قلب هایشان با یاد خدا آرام گرفت آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

نماز همون ذکر و یاد خداست که خداوند به موسی (ع) میفرماید: "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي" (۴)؛ نماز را به یاد من به پا دار.

و خداوند وعده داده: هر کس که از ذکر خدا روی گردان بشه در زندگیش دچار سختی خواهد شد. "وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا" (۵)

میدونید منظور از "معیشت ضنک" چیه؟ کسی که خدا را فراموش کنه دیگه چیزی غیر دنیا نمیمونه که بهش دل بنده در نتیجه همه کوششهاشو صرف دنیاش میکنه و فقط به اصلاح زندگی دنیایش می پردازه و روز به روز اون رو توسعه بیشتری میده؛ اما این زندگی اونو آرام نمیکنه، چه کم باشه چه زیاد، برای اینکه هر چه اون به دست بیاره دائماً چشم به اضافتر از آن داره. این آدم دائماً دلش دنبال چیزیه که نداره. به نظر شما مشکل از این بزرگتر هم داریم؟

میخوام با یه دعای ساده اما مهم حرفامو به پایان برسونم، دوست دارم شما آمین بگید:

خداجون خودت میدونی ما چقدر ضعیفیم و بهت احتیاج داریم: خدایا همیشه و همیشه هوای ما رو داشته باش و به ما کمک کن یک لحظه دستمون از دستت جدا نشه / خدایا لذت و شیرینی نماز و با خودت بودن رو به ما بچشون.

الهی آمین

دعای پایانی

ص: ۱۹

۱- سایت تبیان/کتابخانه/بخش علمی.

۲- الحکم الزاهره، ترجمه انصاری، ص ۵۸۶..

۳- رعد: ۲۸.

۴- طه: ۲۰.

۵- طه: ۱۲۴.

عنوان درس: نماز عشق بازی یا ادب ورزی؟

موضوع: فلسفه و چرایی نماز

طراح: حجت الاسلام حسن عارضی

یکی از اتفاقات زندگی شما آقایون سربازیه. حالا اگه ادامه تحصیل هم بدی بهترین دانشگاهها هم بری بازم این سربازی بیخ ریشته. آش کش خالته بخوری پاته نخوری پاته.

اونجا که رفتی باید گوش به فرمان فرمانده باشی. وقتی وارد اتاق فرماندهی میشی باید پا بکوبی. اونجا فرمانده نمیاد ناز تو بکشه، بگه عزیزم اصلاً نمیخواد موهاتو کوتاه کنی خودم واست شونه میزنم. تازه ژل مو هم بهت میدم تو فقط وقتی دشمن حمله کرد یا مانوری بود آماده باش و همکاری کن! تو هم بگی حالا ببینم چی میشه! اگه حال داشتم در خدمتم.

اصلاً اونجا حق نداری ببینی حالشو داری یا نه، هر چند هم خوشت نیاد از سربازی، باید ادب رو رعایت کنی، همیشه هر جوری خواستی رفتار کنی، خونه خاله نیست!

ادب، اونجایی هم که محبت نباشه انسان وادار به یه رفتاری میکنه. مثل همین سربازی که باید احترام کنی، چه دوست داشته باشی چه نه. و حتی جایی که نیاز نباشه هم وادار به یه رفتارهایی میشی؛ مثلاً در کوچه و بازار یا وقتی که تو اتوبوسی یا سوار مترو شدی، هر حرفی را نمیزنی. ادب را در جمع رعایت میکنی. شما در کوچه و خیابون و در مدرسه و خیلی جاهای دیگه، وقتی با دیگران برخورد میکنی به اونها لبخند میزنی، احترام میگذاری همه این لبخندها و احترامها از نیاز و عشق و محبت نیست بعضی وقتها لازمه ادبه.

حالا برگردیم به سربازی، مثل اینکه این سربازی نمیخواد دست از سر ما برداره!

اون فرمانده هم وقتی ابهت داشته باشه این عظمت و ابهت اون در دل انسان حالتی ایجاد میکنه که احترام و کرنش میکنه و اگر غیر از این باشه یعنی فرماندهای ابهت و اقتدار نداشته باشه سرباز تبعیت نمیکند.

از ادب و سربازی صحبت کردیم، حالا می خوام یک خاطره براتون بگم:

یه روزی پدر یک جوانی از من پرسید که پسر نماز نمیخونه یا گاهی وقتها میخونه. به نظر شما من چکار باید بکنم که پسر نماز خون بشه. به اون گفتم: از آثار نماز برات بگو. گفت اینا رو گفتم تأثیری نداشته. گفتم: از عواقب نماز نخوندن بگو. گفت: اینا رو هم گفتم. گفتم: نماز رو چگونه بهش معرفی کردی. جواب داد: خب گفتم عبادته. نماز عشق بازی و راز و نیاز با خداست. به ایشون گفتم: مشکل همین جاست. مشکل در تعریف است. بچه شما داره درس میخونه یه دفعه اذان میگن، حال

نداره. تو ذهنش هست که نماز عشق‌بازی با خداست می‌گه من که چنین حسی ندارم عشق‌بازی کیلویی چند! و نماز رو ول میکنه.

در حالی که این ذهنیت غلطه و این تعریف از نماز برای ماها درست نیست. نماز ابتدا مؤدب شدن و رعایت ادبه نه عشق‌بازی با خدا.

یه آقایی می گفت یه روزی با بچه ام بازی میکردم موقع اذان شد به پسرم گفتم: من میرم نماز. پسرم گفت: بابا داشتیم بازی میکردیم. گفتم: نه همیشه. باید برم نماز، بعدش با هم بازی میکنیم. گفت من هم بیام؟ گفتم: هر جوری دلت میخواد. گفت: آخه الان سخته دارم بازی میکنم. گفتم: من هم سخته من هم دوست دارم با تو بازی کنم ولی چاره‌های نیست. پسرم تعجب کرد. گفت: بابا! مگه برای شما هم سخته؟ گفتم: آره. گفت: پس برای چی کاری که سخته انجام میدی. گفتم: تا آدم بشم. تا آدم کار سختی رو که مخالف میلشه انجام نده آدم نمیشه. این آقا می گفت دیگه من در مورد نماز برای پسرم صحبت نکردم و همین کافی بود.

بینید نماز در اول کار اصلاً عشق‌بازی نیست. همین که ادب را رعایت کنی کافیه و در ادب هم لازم نیست عشق و محبت باشه. آدم هر چقدر نمازش مؤدبانه خوند و آداب نماز رو رعایت کرد خدا در دلش عظمت پیدا می کنه.

شاید دیده باشید اونایی رو که نماز میخونن تا مشکلاتشون حل بشه؛ وقتی هم حل نشد میگن: چون مشکلم حل نشده پس تا اطلاع ثانوی نماز تعطیل!! ولی نماز مؤدبانه یعنی اینکه تو ادب رو رعایت کنی فقط چون خدا گفته انجام بدی. مثل فرمانده؛ چون فرمانده گفته باید گوش به فرمان باشی. حالا چه بهت مرخصی بده یا نده؛ البته نماز اثر خودش رو در زندگی انسان داره و به زندگی انسان برکت میده.

حاج آقا یک سؤال!

ص: ۲۱

فلسفه تکراری بودن نماز چیه؟ کارهایی مثل نماز وقتی برای انسان تکراری بشه معمولاً خسته کننده است؛ چرا خدا کاری که خسته کننده است از ما خواسته؟

اولین فلسفه تکراری بودن نماز، اینه که ادب یاد من بده. نماز هر چند تکراریه ولی من بیادبی نمیکنم که اخم کنم و نخونم وقتی اذان میگن با خودت لج کن و محکم بلند شو و نماز تو بخون. وقتی انسان با خودش در میافته و با خودش لج میکنه این یه نوع مبارزه و جهاد با نفسه و تکبر انسان رو از بین میبره، و خدا در دلش عظمت پیدا می کند.

شاید پرسید خدا برای چی باید در دل ما عظمت پیدا کنه؟ ببینید وقتی این عظمت تولید شد باعث میشه انسان مشکلات دنیا و خود دنیا در چشمش حقیر بشه. به قول معروف به مشکلات میگه: "ریز میسینمت" مولامون حضرت علی؟ ع؟ میفرمایند: "کسی که خدا در نگاهش بزرگ شد، دنیا در چشمش خوار می شود." (۱)

بدنه و قالب بحث

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

حاج آقا! ببخشید یه حرفی تو گلوم مونده، اینکه "دنیا حقیر بشه" یعنی چه؟ بذارید از دنیا لذت ببریم! چرا هی میگید دنیا را حقیر بین و از این حرفها؟

وقتی صحبت از تحقیر دنیا میشه منظورمون همین افسردگیها و اعصاب خوردی هاست که جوانها درگیر اون شدن. دلایل اصلی اینه که دنیا و مسائل اونو خیلی جدی گرفتن و وقتی انسان بزرگ شد و خدا در دلش عظمت پیدا کرد میبینه بعضی از مسائل ارزش فکر کردن نداره چه برسه به خاطر اون عصبی بشه یا غصه بخوره.

یکی دیگه از آثار نماز مؤدبانه، بالانس شخصیت و روح انسانه. وقتی که کسی حاضر میشه به خاطر نماز اول وقت هوشش رو زیر پا بذاره، کمکم شخصیتش کامل میشه. وقتی حاضر نشد پا رو هوشش بذاره یا تنبلی و بیحالی رو کنار بذاره و اجازه نده نماز حالشو بگیره، روحش تنظیم نمیشه و شخصیتش کامل نمیشه.

چند سال دیگه شما بزرگتر که شدید و یه آقایی سرش بخوره به سنگ و دختر شو به شما بده احتمال داره دختره از نماز، اونم اول وقتش بیرسه، بعد شما شاید بگی بابا چکار داری به نماز اول وقت. مگه اوادم حوزه علمیه یا می خوام استخدام سپاه بشم. اوادم خواستگاری و تازه مگه خود شما نماز میخونی که از من اول وقتش رو میخوای. اگه گفتی گاهی وقتها میخونم؛ تعجب نکنید که بهت بگه: تو که حاضر نیستی به خدای خودت احترام بگذاری و پاشی و نماز بخونی، چه تضمینی هست که در آینده به من احترام بگذاری؟! از کجا معلومه فردا یه نفر دیگه رو به من ترجیح بدی؟ چون کسی که به اندازه یه نماز هوشش رو نکشته نمیتونه خودشو کنترل کنه.

تا اینجا گفتیم که باید نماز خوب بخونیم و نماز خوب فقط نمازی نیست که در اون اشک و گریه باشه. نماز خوب در قدم اول نمازیه که مؤدبانه باشه و بعد از مدتی که مؤدبانه خونده شد و آثارش دیده شد، متفکرانه میشه. نماز مؤدبانه یعنی اینکه قرائت انسان درست باشه، ظاهر نماز رو اون طوری که خدا گفته انجام بده. بعد کمکم به باطنش میرسه؛ وقتی به باطن سجده

میرسه میبینه هیچی مثل نماز و سجده اون، انسان رو در مقابل خدا ذلیل نمیکنه و تکبرش را از بین نمیره برای همینه که خداوند می فرماید: بنده من! غرورتو بگذار زیر پات و بیا از من بخواه؛ "ادعونی" تا من برآورده کنم؛ "استجب لکم" (۲).

اگه کسی میخواد یکی از راه های بهتر شدن نماز رو انجام داده باشه سجده را جدی بگیره. سجده هاشو طولانی کنه این سجده تکبر رو از بین میبره. شنیدید یک شخصی که به پیامبر محبتی کرده بود و از پیامبر خواست او را همنشین خودش در بهشت کنه. پیامبر(ص) به او فرمود: "سجده هاتو طولانیتر کن تا من بتونم دستتو بگیرم."

دوستان! [اگه مدرسه دخترانه بود: خواهرها!] نماز برای آباد کردن دنیای آدم هم هست نه فقط آخرت. هرکی با خدا باشه هم دنیا داره و هم آخرت.

با خدا اش پادشاهی کن بیخدا باش هر چه خواهی کن

مشارکت

خدایا ما را از بهترین بندگانت قرار بده کمک کن همیشه با خدا باشیم و نا خدا! نباشیم ...

دعای پایانی

ص: ۲۲

۱- عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ وَضَعَ [صَغَرَ] مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ (الأمالی) (للصدوق)، النص، ص: ۵۷۲).

۲- غافر: ۶۰.

عنوان درس: نماز تشکر از هدیه ای بزرگ

موضوع: فلسفه و چرایی نماز

طراح: حجت الاسلام حسن عارضی

قطعاً تو زندگی شما اتفاق افتاده که کسی به شما هدیه داده باشد. هدیه گرفتن به سری پیامهایی رو به ما انتقال میدهد. مخصوصاً به شما خانمها که هم هدیه گرفتن را دوست دارید هم خود هدیه براتون مهمه. حالا اون پیامهایی که از هدیه دادن دیگران دریافت میکنیم چیه؟ اولین پیام اینه که احساس میکنیم هدیه دهنده ما رو دوست داره؛ وگرنه چنین هدیه قشنگی برام نمیخرید. دومین پیام اینه که احساس می کنیم باید عکسالعملی نشان بدیم و تشکر کنیم و سوم اینکه احساس میکنیم بین قیمت هدیه و نوع تشکر یا عکس العمل ما باید رابطه ای باشه. وقتی هدیه ای به این زیبایی برای من آورده همیشه که یک تشکر معمولی داشت. تاره اینم یواشکی بگم که تشکر خوب من میتونه زمینه ساز هدایای دیگر هم بشه، البته این رو شما خانمها خوب بلدید. آخرین پیامی که دریافت میکنیم اینه که احساس میکنیم تشکر باید مورد پسند هدیه دهنده باشه. پس انسان فطرتاً از هدیه دادن خوشش میاد و فطرتاً دوست داره از اون کسی که هدیه گرفته تشکر کنه و اون تشکر هم متناسب با هدیه باشه؛ اما اجازه بدید اینجا به اعترافی بکنم که این اعتراف شامل حال خیلیها میشه و اون اینه که ما خیلی وقتها خودمون رو نمی بینیم. خود من میتونه به هدیه باشه؛ منی که می تونم فکر کنم، انتخاب کنم، گریه کنم، لذت ببرم و خیلی کارهای دیگه؛ مثلاً همین چشم ما ۷۰ میلیون تار ضخیم داره که به وسیله اونها رنگهای غیر سیاه و سفید را می بیند، ۱۲ میلیون تار نازک برای دیدن داره و این سر سوزنی از شگفتیهای این انسان یا بهتر بگیم این هدیه خداست و اگر این احساسهایی که اول بحث گفتم در ما ایجاد نمیشه به خاطر اینه که به هدیه توجه نداریم. یکی از مشکلات عمده ما ندیدن داشته ها و برعکس زوم کردن روی نداشته هاست؛ و اگر خداوند در قرآن قسم به زمان خورده (و العصر) به خاطر ندیدن همین داشته هاست که انسان مدیریت زمان و مدیریت خودش رو از دست میدهد. ما نیاز داریم با خودمون خلوت کنیم نقاط ضعف و قوت خودمون رو ببینیم و بشناسیم. یا با کمک داشته هامون از گردنه ها مخصوصاً دوران پرفراز و نشیب نوجوانی عبور کنیم. حالا به سؤال دیگه، اگه اون که به شما هدیه داده بیاد به شما بگه من می دونم شما دوست داری از من بابت هدیه تشکر کنی؛ ولی من دوست دارم خودم نحوه تشکر و جبران کردنش رو یادت بدم. بهتون بر میخورم یا نه؟ شاید بعضیها بگن اصلاً زشته طرف این حرف رو بگه پس اون دنبال جبران کردن و تشکر کردن ماست، زیبایی و قشنگیش به اینه که اون هیچ توقعی نداشته باشه؛ اما اگه ببینیم از به زاویه دیگه نگاه کنیم؛ مثلاً اگه من هر چی فکر کردم نتونستم به جایی برسم که چه جوری از این شخص که هدیه داده تشکر کنم (به فرض اینکه هدیه بسیار قیمتی است و جبران آن برایم ممکن نیست) در اینجا اگر هدیه دهنده حس جبران و تشکر را در من ببینه و بیاد به من کمک کنه تا بتونم درست و حسابی جبران کنم، آیا باعث خوشحالی من میشه؟ صددرصد. باز این خودش به لطفیه که در حق من انجام داده. بهش میگویم خدا خیرت بده خیالمونو راحت کردی.

شاید به سؤال در ذهن شما به وجود بیاد که، خداوند چه نیازی به تشکر ما دارد، مگر شما نمی گید خداوند بینا و اگر نیاز هم داشته باشه برای او نقص است. پس چرا؟ من فکر میکنم اینجا یک نکته خیلی مهم وجود داره که به آن توجه نشده است. بله خدا بینا است؛ اما آیا من بنده هم بینا ام؟

بله ما فقیر و محتاج هستیم و تنها خدا غنی مطلقه؛ اما فکر نکنید که این ارتباط یک طرفه است؛ بلکه خود خداوند بیشتر از من بنده به این ارتباط علاقمند. خودش در حدیث قدسی میفرماید: "بِحَقِّكَ عَلَيَّ أَحَبُّكَ وَ بِحَقِّي عَلَيْكَ أَحَبِّنِي": به حقی که تو بر من داری من تو را دوست دارم و به حقی که من بر تو دارم مرا دوست داشته باش.

بعضی از ما اگه یک سر و گردن از کسی بالاتر باشیم حاضر نیستیم جواب سلام طرف رو بدیم؛ یا اگه به پول و جایگاهی رسیدیم دیگه خدا را بنده نیستیم؛ ولی این خدایی که همه چیز و همه کس از اوست در حدیث قدسی دیگری میفرماید: "لَا يَسْتَعْنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَ لَكِنْ يَسْتَعْنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ (۱)"; من در زمین و آسمانم نمیگنجم؛ ولی قلب بنده مؤمنم مرا در خود جای میدهد!

اگه او را نمیبینیم از شدت حضورش است؛ مثل آفتاب که از شدت نورش نمیتوان به او خیره شد و مستقیم او را دید.

خوب چه نیازی به نماز داریم؟ نماز چه اثری داره؟ بریم از خدا پرسیم: انسان طبق آیه قرآن حریص است: "إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ

ص: ۲۴

هلوعاً؛ انسان در برابر شداید و سختیها بیتابی میکند و اگر خیری به او برسه سعی میکند انحصار طلب باشه و به دیگران نده: "اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخیر منوعا" (۱) بعد در ادامه میگه: "الا-المصلین"؛ یعنی نماز گزار اینجوری نیست؛ چون خاصیت نماز احیای فطرته. نماز گزار کسی است که سرکشی نفسش را رام میکند. البته این آثار برای نماز گزاران است که "الذین هم علی صلاتهم دائمون"؛ همواره نمازشان را میخوانند و هرگز نماز را ترک نمیکنند و به برکت نماز به این مقامها میرسند و همچنین "والذین هم علی صلاتهم یحافظون"؛ (۲) یعنی بر نماز خویش مواظبت دارند و همه اوقات نماز را حفظ میکنند؛ چون کسی که اهل نماز اول وقت باشه در زندگی خیلی تأثیر میگذاره. امام صادق؟ع؟ میفرماید: "هنگامی که انسان نماز را در اول وقت خواند، نوری سفید و پاکیزه به آسمان میرود و میگوید: خدا تو را حفظ کند که مرا حفظ کردی، و برعکس اگر نسبت به وقت نماز مراقبت نکند سیاهی تاریکی بالا میرود."

(۳) از این معلوم میشه نماز حقیقتی داره که زنده است. روحی که برای همیشه هست و نماز اول وقت مثل گل محمدی میمونه که اگر اول صبح چیده بشه میشه از اون عطر و گلاب گرفت؛ ولی اگر در اون زمان خاص چیده نشه، پژمرده میشه و طراوت و زیبایی خودش رو از دست میده.

حالا چرا اسلام کسی را که نماز رو ترک کنه کافر میدونه؟ جواب این سؤال را امام صادق(ع) داده اند. مضمون سخن ایشان این است که هر گناهکاری با انجام هر نوع گناه لذتی از آن میبرد؛ اما اگر کسی نماز را ترک کنه، چه لذتی از نخواندن آن میبرد؟ بنابر این تنها گناهی که هیچ لذتی در اون نیست ترک نمازه. به این دلیل معنایی جز عصیان و نافرمانی از دستور خداوند ندارد. ان شاء الله من و شما جزء کسانی نباشیم که به نمازمان کم توجه و یا بیتوجه هستیم.

خدایا ما را از نماز گزاران واقعی قرار بده ...

بدنه و قالب بحث

ص: ۲۵

۱- معارج: ۱۹ تا ۲۳.

۲- معارج: ۳۴.

۳- إِنَّ الْعَبِيدَ إِذَا صَلَّى الصَّلَاةَ لَوْفَتْهَا وَ حَافَظَ عَلَيْهَا، ارْتَفَعَتْ بَيْضَاءَ نَفْيَةٍ تَقُولُ: حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ، وَإِذَا لَمْ يُصَلِّ لَوْفَتْهَا وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا، رَجَعَتْ سُودَاءَ مُظْلَمَةٍ تَقُولُ: ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ. (الأصول الستة عشر (ط دار الحديث)، ص: ۳۲۳).

عنوان درس: شهید هدایت (چراغ هدایت)

موضوع: امام حسین علیه السلام و نماز

طراح: حجت الاسلام رضا احمدی فرد

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

بهنام آنکه نام دلربایش بود درمان درد بند گانش به لب ذکر شفا بخش تو دارم خدایا هرچه دارم از تو دارم

خواهران خوبم: سلام

امیدوارم روز خوبی را پیش رو داشته باشید. خانمها! میدونید هرکاری که بخواد انجام بشه نیاز به صرف مقداری زمان داره، انرژی و نیرو میبره

بعضی کارها هست که نیاز به چند ثانیه وقت داره، بعضی چند دقیقه و چند ساعت و...

[بعد هم موارد را به شکل زیر می نویسیم]

کارهای چند ثانیه‌ای مثل نفس کشیدن/نگاه کردن/سوزن نخ کردن

کارهای چند دقیقه‌ای مثل غذا خوردن(یک وعده مثل ناهار)/اتو زدن یک لباس/ نماز خواندن کلاً ۱۷ دقیقه در شبانه‌روز.

کارهای چند ساعتی مثل یک روز درسی/روزه گرفتن(از سحر تا مغرب)/آشپزی کردن ...

کارهای چند روزی مثل زیارت کربلای معلی یا امام رضا(ع)؟/ پیدا کردن دوست در سال جدید ...

کارهای چند هفته‌ای مثل گرفتن گواهینامه رانندگی/ سفر حج ...

کارهای چند ماهی مثل به ثمر نشستن محصول کشاورزی/یک سال تحصیلی/ کلاس خیاطی ...

کارهای چند سالی مثل پیشرفت های علمی پزشکی

هستهای

هوافضا (ماهواره و موشک و پهباد...)

چند هزار سال و چند هزار نفر؟

بدنه و قالب بحث

آن کدام امر مهم است که انجامش و به نتیجه رسیدن آن نیاز به چندین هزار نفر داشته و هزاران سال برایش زحمت کشیده شده؟

[شنیدن نظرات و پاسخهای مخاطبان...]

[یک راهنمایی] به این مسأله مهم در سوره حمد اشاره شده در دعایی که هر مسلمانی باید حتماً ده بار از خدا بخواند!

مشارکت

آن دعای واجب چیه؟ بله اهدناالصراط المستقیم خدایا ما را به راه راست هدایت فرما

بنابراین آن مسأله مهم که ۰۰۰/۱۲۴ پیامبر در طول تاریخ از زمان حضرت آدم؟ ع؟ تا خاتم (ص) برایش زحمت کشیده شده و خون دل خوردند مسأله هدایت انسان است.

معما

خوب سؤال: مگه خداوند به انسان عقل و فطرت نداده پس چه لزومی داره که یکی دیگه بیا و ما رو هدایت کنه؟ [شنیدن جواب های مخاطبان]

مشارکت

قدیما وقتی سینما میرفتید (شاید الآن هم در بعضی سینماها باشه) زمانی که فیلم شروع میشد اگه کسی میخواست وارد سالن نمایش فیلم بشه، موقع ورود یک شخصی با چراغ قوه ای که در دست داشت، اون رو راهنمایی میکرد و تو اون تاریکی بهش جای صندلی خالی رو نشون میداد تا به در و دیوار نخوره؛ این آدم از مسئول سینما پول می گرفت که در تاریکی آدمهای تازه وارد را راهنمایی کنه.

ص: ۲۶

سینما موقع پخش فیلم تاریک و ظلماته پر از تاریکی و انحراف و خطر و...

آدم تازه وارد جایی رو نمیبینه همه بار اوله وارد دنیا شدیم (سابقه و تجربه قبلی نداریم)

خطر و پله و مانع و... زیاده انحراف و غفلت و شیطان و وسوسه های او جدّیه

راهنما چراغ داره ما نداریم پیامبران و امامان چراغ وحی دارند

راهنما از ما توقعی نداره (بی مزد و منت) پیامبران و امامان هیچ مزد و اجری از ما نمی خواهند (خالصانه)

راهنما قبلاً محیط رو دیده و توجیه شده خداوند پیامبران و امامان را از قبل برای این کار تربیت کرده

به این چند دلیل ما نیاز به راهنما و هدایت داریم راهنمایی که هم دلسوز ماست هم عقل و درکش بیشتر است و اشتباه نمی کنه و معصومه، طمع به مال ما نداره، چراغ قرآن در دست داره، راه را بهتر از ما می شناسه.

[نوشتن این جمله در تخته] "إِنَّ الْحُسَيْنَ ... مَصْبَاحٌ هُدًى وَ سَفِينَةُ النِّجَاهِ" (1) همه شما این جمله زیبا را بارها و بارها شنیده اید و دیده اید روی پرده ها و کتیبه های محرم.

قالب تشبیهی

کی میدونه این جمله از کیست؟ بله! از حضرت رسول اکرم؟ ص؟ که امام حسین؟ ع؟ شهید هدایت امت است.

امام حسین (ع) کشتی نجات است؛ شما دیدید در محرم همه جور آدمی در مراسم عزاداری شرکت میکنه با هر قیافه و ظاهر و اعتقادی [حتی غیر مسلمانها برای تاسوعا و عاشورا نذری میدن: ارمنی ها، آشوری ها، زرتشتی ها، یهودی ها]. آقا امام حسین جان نازنینش رو در کربلا فدا کرد تا دین اسلام زنده بمونه تا ما راه را گم نکنیم...

خوب ما چه کار می تونیم در قبال این فداکاری و خدمت ایشون بکنیم: بنشینیم برای آقا گریه کنیم؟! روضه بگیریم؟ آش نذری بدیم؟ روز عاشورا شربت بدیم به عزادارا؟! ... خیلی کارها میشه کرد اما:

از حسین اکتفا به نام حسین / نبود در خور مقام حسین

یکی از توقعاتی که حضرت از ما محبین و دوستاندانش داره اینه که چیزهایی که ایشان دوست دارند ما هم دوست بداریم. مثلاً چی حاج آقا؟! بگذارید در این فرصت کم فقط به یک مورد اشاره کنم و سرتونو بیش از این درد نیارم:

یک جمله معروفی از حضرت نقل شده که فرمودند: "انی احب الصلاه"؛ من عاشق نمازم، من حرف زدن با خدا رو دوست دارم. حتی روز عاشورا هم شنیدید که آقا وقتی ظهر شد و موقع نماز، در اون وضعیت که کوفیها تیراندازی می کردند، نمازشون را با چه عشقی اقامه کردند... این پیام بزرگه: یعنی آی مسلمونا! آی اونایی که ادعا می کنید ما اهل بیت رو دوست دارید و میگرد ما شیعیما! نمازتو نو دریابید؛ نماز، نماز، نماز.

وقتی کسی عاشق کسی میشه! سعی میکنه خودش را مثل معشوقش کنه، طوری رفتار میکنه که محبوبش از او خوشش بیاد، دروغ میگه اونیه که میگه من عاشق حسینم؛ اما عاشق نماز نیست اونیه که به نمازش اهمیت نمیده، نماز صبحش قضا میشه ککش نمیگزه ... چطور میتونه بگه من حسینی ام...!

سؤال

خدایا به حق بنده خوبت امام حسین (ع) بندگی کردنو به ما هم یاد بده...

خدایا ما را عاشق نماز و عشقبازی با خودت قرار بده....

دعای پایانی

ص: ۲۷

عنوان درس: احساس خدا

موضوع: نماز آگاهانه

طراح: حجت الاسلام محمود شهرجردی

بعضی از حرفا نه تعارفه و نه جای چک و چونه داره؛ که ای بابا میخوان با این حرفا کلاه سر ما بذارن و یا...

وقتی به خدا به عنوان یک طیب حاذق و دلسوز و متخصص امین رجوع میشه؛ چرا میگم متخصص امین؟ چون امام صادق؟ فرمودند: "يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَوْضِيِّ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ" (۱) وقتی یک استاد دانشگاه هم پیش پزشک متخصص میره به دلیل تخصص و امانتداری او رو حرفش حرف نمیزنه. ما هم از این طیب متخصص میسریم: خدایا! جایگاه ما تو این عالم کجاست، ما کی هستیم؛ و چقدر برات اهمیت داریم؟ میفرماید: یه رجوعی به قرآنم بکنید؛ زمانی که ملائکه اعتراض میکردند یا سوال میکردند که این موجودی که با اختیارش فساد میکنه رو برای چی آفریدی؟ من گفتم: "انی اعلم مالا تعلمون" (۲) من چیزهایی میدونم که شماها نمیدونید، من او را خلیفه بر روی زمین قرار دادم؛ "انی جاعل فی الارض خلیفه" (۳) او میتواند بهترین باشد.

حاجی یه سوال دیگه برای من باقیه؟ ده تا پرس! کیه که پاسخ بده! (طنز) حاجی ما که خودمون رو میشناسیم (تعامل مصنوعی) قرآن هم میگه: "بل الانسان علی نفسه بصیره" (۴) انسان از هر کس بهتر خودشو میشناسه و از درونش آگاهه. ما که اوضاعمون خرابه، ما کجا و جانشینی کجا؟! حالا میشه یه فرمولی بدید تا با این فرمول ما بال و پر بگیریم و تا عرش خویبها پرواز کنیم، شاید یه قدری حال و هوامون بهتر بشه؟ خدایا فرمولی هم داری تا بشه همون "بهترینها" بود! دور از شأن خدا، شاید یه لبخندی که منظور همان لطف الهی است میزنه و میگه تو با ما باش / برنامه برات داریم. بذار یه خاطره قشنگ بگم تا این لطف بیشتر تداعی بشه و به ذهن نزدیکتر بیاد، چندین سال پیش یه وقت خدمت آیت الله بهجت (ره) اون مرد الهی رسیدم، کسی که به اذن خدا در سن ۱۹ سالگی مرگ اختیاری داشت، در عرش بود و... عرض کردم آقا میخوام خوب باشم، چه کنم؟ آقا یه نیم نگاهی کردند و فرمودند: تو راست میگی؟ با این جمله کوتاه همه چیز رو گفت به من...

چو درد در تو نیند کرا دوا بکند

اول باید دل را یه جلایی بهش داد، باید خواست و خواستن توانستن است، حالا فرمول رو میگی یا نه؟ آره، قرآن رو که باز کنی، تو سوره آل عمران آیه ۳۱ میفرماید: "قل إن كنتم تحبون الله"، اگه رفیق راه مایی، و رفیق مدعی هستند؛ "فَاتَّبِعُونِي" با ما باشید، رفاقت و معرفتونو ثابت کنید، بعد ثابت کردن رفاقت حالا وقتشه منم بهتون بگم با مطالعه درباره آیه به دست مییاد، "فَاتَّبِعُونِي"، پیروی کنید مرا، این پیروزی چطور به دست مییاد؛ راحتت کنم ملموس ترین و از بهترین راههایی که خدا مطرح میکند برای اطاعت و پیروی، نمازه. بله نماز! نمازی که گاهی اسمش می یاد یه جور می شیم. بد نگاه میکنیم؛ بابا به

خود خدا نماز زنده است، باعث حرکت است، با موجود زنده باید زندگی کرد و وقت گذاشت، رسول الله (ص) میفرماید: "اذا قُمتَ في صلاتِكَ فَأَقْبِلْ عَلَى اللَّهِ بوجهِكَ يُقْبِلْ عَلَيْكَ" (۵) هرگاه به نمازت ایستادی با دل به خدا رو کن تا او نیز به تو رو کند.

استاد میشه زیاد تو خماری نذاریمون بفرمایید شرایط بهترین عبادت یا نماز چیه؟ باشه حالا که میفرمایید چشم. اول اینکه عبادت باید آگاهانه باشد؛ امام علی (ع) می فرماید: "دو رکعت نماز انسان آگاه و دانا از هفتاد رکعت نماز شخص نادان بهتر است" (۶) در یه جای دیگه می فرماید: "عبادتکننده ناآگاه همچون الاغ آسیاب است که میچرخه اما پیش نمیره" (۷). رفقا! وقتی داریم با یه دوستی، محبوبی حرف میزنیم، اگر مدام سرمون را به اطراف بچرخونیم، یا طوری وانمود کنیم که حرفشو گوش نمیدیم انصافاً چه حالی میشه، یا خودمون باشیم چه حالی میشیم، بذار راحت بگم، خداوند متعال به محبتی که بندش برای او خرج میکنه حساسه میخواد که بهترین وقتها و حالها را برای او بگذاریم. پس گام اول بهترین عبادت میشه: آگاهانه نماز خواندن. بدونیم جلو کی زانوی ادب زدیم و بدانیم پاهامونو را جلوی کی جفت کردیم. وجودمون برای او باشد. گام اول آگاهانه نماز خواندن مؤدب بودن برای خداست؛ پا بکوبیم تا بزرگ شویم.

شروع و ایجاد انگیزه اولیه

بدنه و قالب بحث

خدایا! از صحبت کردن با بندهات؛ پدرم، مادرم، دوستانم ... لذت میبرم؛ اما وقتی به تو میرسم، سر نماز؛ زود خسته میشم، کسب میشم، این لذت مناجات و حرف زدن و حال کردن با خودت را هم بچشان.

ص: ۲۹

۱- مجموعه ورام، ج ۲، ص: ۱۱۷.

۲- بقره: ۳۰.

۳- همان.

۴- قیامت: ۱۴.

۵- بحار الانوار، ۸۴ - ۲۸۹.

۶- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۱۵.

۷- همان. ص ۱۱۴.

رفقا! [در جمع پسران] بیایید قبل از هر چیز به تجوید و قرائت نمازمون به توجهی بکنیم، آخه لازمه نماز به قرائت عربی صحیح ادا بشه. پس سعی کنید به CD قرائت قرآن پیدا کنید و خوب گوش بدید تا اگه احیاناً اشتباهی در قرائت نمازتون دارید برطرف بشه.

تکلیف

ص: ۳۰

عنوان درس: تشکر از خدا

موضوع: تشویق به نماز

طراح: حجت الاسلام حسن فکری

به نام خداوند

سلام دوستان، حال شما خوبه؟ از اینکه امروز یک ساعتی را با هم هستیم خوشحالم. امیدوارم در این مدت بتونیم مطالب مفیدی را از همدیگه یاد بگیریم.

وقتی کسی به ما هدیه میدهد به نظرتون ما در مقابل این کار او باید چه کار کنیم؟

ابتدا این را بگویم که ما میدونیم که او ما را دوست داشته که به ما هدیه داده است و اینکه ما هم باید لطفی به همان اندازه و یا حتی بیشتر از اون چیز را نسبت به او داشته باشیم و اینکه نوع تشکر و میزان هدیه میبایست با هم مساوی باشد. چرا که شاید تشکر از او زمینساز دریافت هدایای دیگری بشود و صد البته که نوع تشکر باید متناسب با فرهنگ هدیه دهنده باشد. برای مثال اگر معلمی به شما لطفی بکند، شما برای جبران این لطف نمیتوانید یک مداد تراش به ایشان هدیه بدهید! چرا که خود این هدیه بیاحترامی نسبت به معلم خواهد بود.

خوب به نظر شما چطوری باید از صاحب هدیه تشکر کرد؟

آفرین؛ باید شأن طرف مقابل را در نظر بگیریم.

خوب آگه این هدیه خیلی بزرگ باشه و طرف هم خیلی مهربون باشه و ما نتونیم به اون اندازه جبران کنیم چی؟ فقط میشه گفت شرمند هستیم که نمی تونیم جبران کنیم.

ازش می پرسیم همیشه بفرمایید چکار کنم که لطف شما جبران بشه؟

بعد به او بگی آگه از من چیزی نخواهی، من این هدیه رو نمیپذیرم!

صبر میکنی تا خودش بهت بگه در جواب هدیه‌های که به شما داده چی از تو انتظار داره!

به نظر شما بزرگترین هدیه‌های که به ما داده شده است و خیلی مهم و بزرگه چیه؟

خوب اول بگو بینم این هدیه‌های که گفتی خیلی بزرگه کدوم هدیه است؟ که به من داده شده و من خبر ندارم!

تا به حال به اطرافتان دقت کرده اید، که پر است از نعمتهای بی‌حساب و فراوانی که از هر سو و در هر زمینه ما را احاطه کرده؟

ما بنده خداییم و غرق در نعمتها و هدیه های او. بر این نعمتها نه یک شکر؛ بلکه هزاران شکر لازم است و باید برای این همه هدیه، به فکر جبران باشیم. کافی است که اندکی چشم بصیرت را باز کنیم و ببینیم لطف و فضل خدا درباره خودمان به چه اندازه است، آنگاه خواهی نخواهی می‌گیم خدایا متشکریم!

خدای دوست داشتنی، به ما هستی و وجود داد. آنچه برای زندگی مادی و معنوی لازم داشتیم به ما عطا کرد. هوش و عقل و استعداد خوب داد. قطرات باران، برگ درختان، ماهیان دریا، پرندگان آسمان، نور خورشید و هدایت عقل را برای سعادت و زندگی راحت و بی دغدغه به ما ارزانی داشت.

اعضایی متناسب بدن، قوایی مفید، مریانی دلسوز، طبیعتی رام و مسخر برای ما قرار داد تا با او بیشتر آشنا شویم؛ اگر لب ما نرم نبود و زبان در دهان نبود، توان سخن گفتن نداشتیم! اگر بینی نداشتیم چقدر زشت و بی‌قیافه می شدیم؟ یک انگشت شصت داده است، هشت تا وزارت خانه را در این انگشت شصت جاسازی کرده. شما شصت را ببند، وزارت آموزش و پرورش تعطیل است. چرا؟ نمی توانی قلم دست بگیری. وزارت کار، نمی توانی پیچ گوشتی دست بگیری، بیل نمیتوانی دست بگیری، سوزن و نخ، وزارت بهداشت، نمی توانی آمپول بزنی. اگر آبها شور و تلخ بود، درختان و گیاهان رشدی نداشتند. اگر زمین جاذبه نداشت، اگر فاصله خورشید به ما نزدیکتر بود، اگر قدرت نطق و گویایی نداشتیم، اگر چشم مان نابینا بود، اگر از موهبت عقل بی بهره بودیم ... و هزاران هزار اگر دیگر.

به تعبیر قرآن، نعمتهای الهی، قابل شمارش نیستند (۱). آیا این همه نعمت، تشکر لازم ندارد؟ آیا بی انصافی و حق ناشناسی نیست که انسان، غرق نعمتهای خدا باشد؛ ولی حالت تشکر و قدردانی به درگاه صاحب نعمت ها نداشته باشد؟

شک نداریم که این تشکر و قدردانی، برای خدا سودی ندارد؛ بلکه برای خودمان مفید است و نشان معرفت ماست. شما اگر زیر نور آفتاب قرار بگیرید، از آن بهره خواهید برد و اگر هم زیر سایه‌های باشید هیچ اثری برای خورشید نخواهید داشت. فقط این شما هستید که از این نور استفاده نکرده اید؛ همچنان که تشکر یک دانش آموز از معلم، بیانگر کمال و رشد فکری اوست

ص: ۳۱

و از تشکر او چیزی عاید معلّم نمیشود.

چه غافلاند، افرادی که بر سر سفره نعمت خدا، عمری می نشینند و یکبار هم به شکرانه این موهبتها در آستان آن خدای مهربان، پیشانی عبودیت و سجده شکر بر زمین نمی گذارند!

می دانید که از میان موجودات، فقط انسان است که تکلیف دارد با اینکه اختیار هم دارد. این افتخارات اوست که با اختیار از خدای آسمانها و زمین، فرمان ببرد و عهده دار انجام کارها و وظایف خاصی برای به سعادت رسیدن باشد.

یکی از علما، همیشه سالگرد بلوغش که مرحله رسیدن به "تکلیف" بود را جشن می گرفت و میگفت: در چنین روزی بود که من لیاقت مسئولیت پذیری و انجام تکالیف الهی را پیدا کردم. روز رسیدن به تکلیف، روز مبارکی است و شایسته جشن میباشد.

به یاد داشته باشید که نماز، نوعی سپاسگذاری از نعمتهای فراوان و بیشمار خالق مهربان است. نماز، تشکر از خدای عزیز که خودش ولی نعمت ماست به حساب می آید و خدای مهربان در برابر این همه نعمتی که به ما داده است، فقط انتظار داره که عبادتش را بکنیم و نماز بخوانیم و این کار را نشانه قدردانی شما از او بابت نعمتهای بیشمارش به حساب می آورد.

امام صادق (ع)؟ می فرماید: "پیروان فرعون روزی پیش او آمدند و گفتند: آب نیل خشک شده و هلاک خواهیم شد. او گفت: امروز برگردید. شب، خودش به میان رود نیل رفت و دست به دعا برداشت و گفت: خدایا! می دانم که جز تو کسی قدرت ندارد برای ما آب بیاورد، پس به ما آب برسان. صبح، آب دوباره جاری شد."

رفقا دقت کنید اگر چند سال باران نیاید خشکسالی چه فاجع های به بار خواهد آورد؟

حالا یک سؤال از شما میپرسم و توقع دارم جوابش را خوب فکر کنید بعد بگویید. خواهشاً عجله نکنید.

اگر برای یک ساعت فقط نعمت جاذبه زمین از ما گرفته بشه چه می شود؟

اگر برای ۶ سال فقط ۶، سال باران نیاید برای ایران چه اتفاقی خواهد افتاد؟

اگر خورشید نور افشانی بکند ولی حرارت نداشته باشد چه اتفاقی می افتد؟

.....

بدنه و قالب بحث

اگر میخواهید قدر یک نعمت را بیشتر بفهمید آن نعمت را برعکس کنید؛ یعنی بگویید اگر این نعمت را نداشتم چه اتفاقی می افتاد. مثل اینکه چشمهائتان را ببندید و توی مدرسه راه بروید و کارهایتان را بدون چشم انجام بدهید! قدر چشم را وقتی متوجه میشوید که سرتان به دیواری برخورد کند و به زمین بیفتید!

حال با توجه به اقرارهای خود شما عزیزان در مورد نعمتهای فراوان، درباره خدای دوست داشتنی، لازم است از او به خاطر تمام لطف و مرحمتش تشکر کنیم. می‌دونید بهترین راه تشکر از خدا که در شأن او باشد و خودش نیز گفته آن را انجام دهیم، چیست؟

... احسنت نماز است. نماز نوعی تشکر از خدا به حساب می‌آید.

نماز تشکر از خداست: "إِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ" (۱)؛ انسانهای آزاد که بهترین انسانها هستند، خدا را برای شکر او عبادت میکنند.

نماز داروی فراموشی و وسیله ذکر خداوند است: "أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي" (۲)

نماز اهمیت زیادی دارد:

نماز، نور چشم پیامبر عزیز است که فرمود: "قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ" (۳)

نماز، پایه و ستون دین است: "وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ" (۴)

نماز، وسیله نزدیک شدن انسان به خداست: "أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ قَالَ: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ" (۵)

امام حسین (ع)، حتی ظهر روز عاشورا در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن هم نماز را رها نکرد؛ پیشوایان معصوم ما، هنگام نماز، رنگ خود را می‌باختند و می‌فرمودند: "وقت ادای امانت الهی و حضور در برابر خدای متعال است".

اگرچه که برخی افراد نماز را به طمع بهشت یا ترس از عذاب جهنم می‌خوانند، اما امیرالمؤمنین (ع) نماز را نه برای تجارت یا سپری از آتش، بلکه به علت شایستگی خدا برای عبادت، انجام می‌داد. (۶)

ص: ۳۲

۱- نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۵۱۱.

۲- طه: آیه ۱۴.

۳- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۷.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۲.

۵- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۵.

۶- نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

تا حالا فکر کرده‌اید، افرادی که نماز را رها میکنند قدردانی نعمت و هدایای خدا را نمیکنند و این کفر نعمت به حساب می‌آید؟!

و اینکه مرز میان اسلام و کفر، ترک عمدی نماز است. چگونه مسلمانی است آنکه رابطه خود با خدا را بریده و از نماز روی برگردانده است!

رسول خدا فرمود: "قَالَ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ" (۱)؛ هر که عمداً نماز را ترک کند، خدا و رسولش از او بی‌زاری می‌جویند.

اگر انسان می‌خواهد هدایت شود و هیچ موقع و در هیچ شرایطی در منجلاب گناه غرق نشود، لازم است تا دستش را از دامن خداوند مهربان توبه پذیر رها نکند. این زمانی اتفاق خواهد افتاد که نماز را در زندگی خود اقامه کند؛ حتی زمانی که شیطان و هواهای نفسانی او را احاطه کرده‌اند.

حال با این توضیحات آیا کسی را پیدا میکنید که زندگی و آرامش ابدی را به جزء خالق هستی برای بندگان تضمین کرده باشد؟

آیا جز خداوند متعال، مراقب و ناظری در کار وجود دارد که دلسوزانه ما را یاری کند؟

آیا بخشنده ای جز خداوند مهربان سراغ دارید که ارزش اعتماد کردن و دل بستن را داشته باشد؟

بدانید که اگر توجه به خداوند توبه پذیر داشته باشید، او و فرشتگان آسمانی به شما توجه خواهند کرد.

بیایم همین الان به هم قول بدهیم که نماز را رها نکنیم؛ حتی اگر گاهی نمازمان قضا شد، یا بین روز دچار گناهی شدیم، باز نماز را ادامه بدهیم؛ چرا که بعد از مدتی این نماز ما را نجات خواهد داد.

بیایم این حالت معنوی را در زندگی حفظ کرده و زندگی گوارایی (۲) را در سایه سار لطف و محبت آن خالق توانا برای خودمان رقم بزنیم.

دوستان نماز بخوانیم تا خدا هم در تمامی کارها ما را بیشتر یاری کند و به آرامش و آسایش دنیا و آخرت برسیم.

خدایا ما و فرزندانمان را جزء نمازگزاران قرار بده. آمین یا رب العالمین. (۳)

ص: ۳۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً (النحل : ۹۷).

٣- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ (إبراهيم : ٤٠).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

